

مطالعه چگونگی نهادینه کردن نماز خوانی فرزندان نوجوان توسط والدین: ارائه مدل مطلوب با رهیافت گراند تئوری

دکتر سمیه غلامی*

دکتر مختار ذاکری**

فاطمه زینلی***

چکیده

هدف از پژوهش حاضر بررسی شیوه‌های تقویت و تعمیق فرهنگ نماز در فرزندان است. مطالعه حاضر به شیوه کیفی، از نوع تئوری زمینه‌ای است که با مشارکت ۲۵ نفر از والدین موفق در امر نماز خوان نمودن فرزندان مقطع متوسطه دوم شهرستان بندرلنگه، به روش نمونه‌گیری هدفمند انجام شده است. ابزار جمع‌آوری داده‌ها مصاحبه عمیق نیمه‌ساختاریافته بود. تجزیه و تحلیل داده‌ها در سه مرحله کدگذاری باز، محوری و انتخابی انجام شد و سرانجام مدلی با توجه به شرایط، زمینه و راهبرد ارائه شد. اعتبار مطالعه با استفاده از بازرسی خارجی و اعتبارسنجی از طریق اعضا، صورت پذیرفت. نتایج حاصل از مدل نهایی حاکی از آن است که شرط لازم جهت جذب فرزندان به نماز داشتن عزمی راسخ برای تربیت دینی فرزندان است. این شرط کلی، در برگیرنده عوامل زمینه‌ساز از قبیل ایجاد نگرش دینی در زندگی، الگوسازی، یکسانی عقیده و رفتار و ارتقای رشد شخصی است. راهبردهای مورد استفاده والدین در گستره‌ای از اقداماتی قبل از تولد، تا اقدامات قبل از سن تکلیف، اقدامات حین و بعد از سن تکلیف فرزندان قرار می‌گیرد. جهت کنترل متغیرهای مداخله‌گر در مسیر تربیت، اتخاذ سبک والدگری مثبت و مؤثر، کسب مهارت‌های حل مسئله و ایمن‌سازی محیط از جمله اقدامات کارآمد والدین است. در مجموع نماز خوان شدن فرزندان در مرحله اول مستلزم برنامه‌ریزی، مطالعه و پی‌گیری دقیق مرحله به مرحله والدین است.

واژگان کلیدی: تربیت دینی، نماز خواندن، والدین، شیوه‌های موفق، تئوری زمینه‌ای.

□ تاریخ دریافت: ۱۳۹۸/۱۰/۱۳

□ تاریخ پذیرش: ۱۳۹۸/۱۱/۳۰

* نویسنده مسئول: استادیار روان‌شناسی تربیتی، گروه روان‌شناسی، مجتمع آموزش عالی لارستان، فارس، ایران
somayeg@yahoo.com

** استادیار فلسفه تعلیم و تربیت، گروه علوم تربیتی، دانشگاه فرهنگیان تهران، ایران
Mokhtarezakeri@yahoo.com

*** کارشناس ارشد روان‌شناسی تربیتی، دانشگاه آزاد اسلامی بندرلنگه، بندرلنگه، ایران
yasinbazdar@gmail.com

هر دین و مذهبی پیروان خود را ملزم به ادای مجموعه‌ای از آیین‌ها و عبادت‌ها می‌کند. یکی از این عبادت‌ها، ادای نماز^۱ است. اگرچه در کیفیت و نحوه ادای آن تفاوت‌هایی در میان مذاهب به چشم می‌خورد؛ اما به نظر می‌رسد در تاریخ مذاهب، هیچ شریعت و دینی بدون فریضه نماز نبوده است. در دین اسلام نماز به‌عنوان ستون و زیربنای پذیرش کلیه اعمال خیر انسان یاد شده است (یعقوبی و همکاران، ۱۳۹۲). اهمیت نماز آن‌چنان است رسول اکرم (ص) می‌فرماید: «أَوَّلُ مَا يُحَاسَبُ الْعَبْدُ عَلَيْهِ، الصَّلَاةُ فَإِنْ صَحَّتْ لَهُ الصَّلَاةُ صَحَّ مَسْأَوَاهَا، وَإِنْ رُدَّتْ رُدَّتْ مَسْأَوَاهَا: أَوَّلِينَ عَمَلِيَّ كَمَا أَنَّ النَّاسَ مَوْرَدٌ مَحَاسِبَةٍ وَبَرَرَسِيَّ قَرَارٌ مِيَّ كِيرِدْ نَمَازِ اسْتِ، چنانچه صحیح و مقبول واقع شود، بقیه اعمال و عبادات نیز قبول می‌گردد و اگر نماز مردود شود سایر اعمال نیز رد خواهد شد» (محدث نوری، ج ۳: ۲۵).

تجربه‌های دینی و معنوی می‌تواند اثرات قوی در زندگی افراد داشته باشد؛ رشد اخلاقی آن‌ها را تحت تأثیر قرار دهد، ارتباطات اجتماعی آن‌ها را تقویت کند و راه ارتباط با خویشتن و رفتارهایشان را تنظیم نماید (Barnes, Plotnikoff, Fox, & Pendleton, 2000). همچنین افرادی که از کیفیت بالای تربیت دینی و سلامت معنوی برخوردارند، علائم افسردگی را کمتر از سایرین نشان می‌دهند و رفتارهای پرخطر دوران جوانی را کمتر انجام می‌دهند (Rew & Wong, 2006). التزام عملی به نماز در پیش‌بینی تاب‌آوری (زارع و شهابی‌زاده، ۱۳۹۴)، شادکامی (شجاعی، ۱۳۹۷) و مسئولیت‌پذیری (شهریاری‌پور، امین‌بیدختی و مرادی، ۱۳۹۲) سهم به‌سزایی دارد. تربیت مذهبی فرزندان نعمتی است که منجر به سازگاری روان‌شناختی و شایستگی اجتماعی در فرزندان می‌شود (Bartkowski, Xu, & Bartkowski 2019). همچنین پای‌بندی به رفتار مذهبی با کاهش رفتار خودکشی‌گرایانه (Svob, Wickramaratne, Reich et al., 2018; Loureiro, Coelho, Coutinho, Borges & Lucchetti, 2017) و سلطانی‌نژاد و همکاران، ۱۳۹۲)، اعتیاد (پورمودت و عارفی، ۱۳۹۱)، بزهکاری (نازک تبار، زاهدی و نایی، ۱۳۸۵) و رفتار مجرمانه (جان‌بزرگی، ۱۳۹۲) در مطالعات متعددی تأیید گردیده است. در مجموع بزرگ‌ترین ثمره ایمان و تربیت معنوی، مطابق با آیه ۲۸ سوره رعد، دستیابی به آرامش عمیق انسان است: «الَّذِينَ آمَنُوا وَ تَطْمَئِنُّ قُلُوبُهُمْ بِذِكْرِ اللَّهِ

أَلَا بِذِكْرِ اللَّهِ تَطْمَئِنُّ الْقُلُوبُ: آنان که ایمان آورده‌اند دل‌هایشان به یاد خداوند آرام گیرد. همانا با یاد خداوند دل‌ها آرام می‌گیرد. علاوه بر بعد ارتقای سلامت روان، با توجه به آیه ۴۵ سوره عنکبوت ﴿إِنَّ الصَّلَاةَ تَنْهَىٰ عَنِ الْفَحْشَاءِ وَالْمُنْكَرِ﴾ یکی از راهکارهای مؤثر در کاهش آسیب‌های اجتماعی برپایی نماز است.

با تأمل در آیات متعدد قرآن کریم چون تحریم: ۶، مریم: ۵۵، لقمان: ۱۳ و ۱۷، هود: ۴۴، چنین استنباط می‌شود که از منظر اسلام، خانواده اولین و مهم‌ترین نهاد تربیتی است که باید در راستای ارج‌گذاری کرامت ذاتی انسان و هموار نمودن مسیر ارتقاء کرامت اکتسابی کوشش کند. خصوصاً سال‌های اول زندگی زمان بسیار مهمی برای رشد و توسعه دینی و ابعاد معنویت است که معمولاً از طریق ارتباط با والدین یا مراقبت کودک حاصل می‌شود (زرین جوی الوار و فیاض، ۱۳۹۶). پدر و مادر با ایجاد روابط دوستانه با فرزندان، محیطی مناسب برای آنان فراهم می‌کنند تا ویژگی‌هایی که در فطرت آن‌ها نهادینه شده است، ظهور و بروز نموده و پرورش کامل یابد (ضیایی و ضیایی، ۱۳۹۰، وجدانی، ۱۳۹۸). پای‌بندی والدین به برپایی نماز و اعمال دینی قدرت پیش‌بینی‌کنندگی ارتباط فرزندان را در ارتباط با خداوند دارد؛ به این معنا که تقید هرچه بیشتر والدین به برپایی نماز و انجام اعمال عبادی، تأثیر مستقیم بر میزان ارتباط با خدا در فرزندان دارد (حیدری، هاشمی و نقش، ۱۳۹۵). علت این امر می‌تواند تا حدودی به دلیل مسئله همانندسازی^۱ در فرزندان باشد، چراکه فرزندان از همان سنین کودکی به همانندسازی خود با والد هم‌جنس خود می‌پردازند (کاپلان، ۱۳۹۷). این یادگیری، تقلید و همانندسازی رفتار، شامل یادگیری الگوهای رفتار دینی نیز می‌شود، به طوری که پسرانی که پدران دین‌داری دارند، الگوهای رفتار دینی او را همانند سایر رفتارها همانندسازی می‌کنند (دیوبند و پارسامهر، ۱۳۹۰). از سوی دیگر عصر حاضر که عصر گسترش فناوری اطلاعات است افراد با تنوع و کثرت ارتباطات و اطلاعات روبرو می‌شوند و فرد در دایره‌ای از تأثیرگذاری عوامل مختلف بر افکار و اندیشه خصوصاً در عرصه دینی قرار دارد (تنهایی، ۱۳۸۹: ۱۱۲). گسترش این فضاها ارتباطی که در واقع فضایی غیرقابل کنترل است موضوع دین‌داری را دستخوش تحولی ژرف نموده است (کشاورز و جهانگیری، ۱۳۸۹) که این تحولات هم عمدتاً در جهت تضعیف دین‌داری بوده است (انصاری و محسنی‌پور، ۱۳۹۷). هم‌زمان

با این روند، افراط و تفریط‌هایی که والدین در ارتباط با مسائل دینی از جمله نماز در ارتباط با فرزندان دارند و شیوه‌های ناکارآمد تربیت دینی والدین، مسائل و بحران‌هایی را در حوزه دین و دین‌داری جوانان به بار آورده است. این آسیب‌ها موجبات بدبینی جوانان به آینده دین را فراهم نموده است و ۸۰ درصد آنان بر این باورند که گذر زمان موجب کاهش میزان مذهبی بودن افراد می‌شود و تنها ۲۰ درصد معتقدند که افراد در آینده مذهبی‌تر خواهند شد. در تداوم نگاه بدبینانه جوانان به وضعیت مذهبی بودن افراد، نگرش به آینده مذهب نیز نزد آن‌ها بسیار بدبینانه است. بر این اساس، بیش از ۶۰ درصد پاسخ‌گویان آینده مذهب در ایران را تاریک و بسیار تاریک می‌بینند. تنها کمتر از ۴۰ درصد آن‌ها آینده مذهب را روشن یا کاملاً روشن می‌دانند (احمدی، ۱۳۹۶).

در مجموع با ترسیم این شرایط باید در جهت رفع این مشکل اقداماتی صورت گیرد. مفاهیم دینی در صورتی نهادینه می‌شوند که متناسب با فرهنگ و خصوصیات جامعه باشند. از مهم‌ترین عوامل مؤثر بر تربیت دینی، خانواده است که نقش برجسته‌ای دارد اما همواره خانواده در مسیر تربیت نمی‌تواند اولویت‌ها و ارزش‌های خویش را به فرزند انتقال دهد. نادیده گرفتن برخی از نیازها، لغزش‌های احتمالی و گرایش‌های ناهماهنگ، متعارض و متضاد مدرسه یا دوستان می‌تواند از عوامل شکست برنامه تربیتی والدین باشد. با این حال خانواده‌هایی وجود دارند که در همین فضای حاکم موفق به تربیت فرزندان شده‌اند که رفتار دینی را انجام می‌دهند. مطالعه خانواده‌هایی موفق که موانع و تهدیدها را شناسایی کرده‌اند، مراحل انس دینی، عادت دینی، معرفت دینی، عمل به دستورات دینی و خودجوشی دینی را به صورت کارآمد اجرا کرده‌اند، می‌تواند چراغی بر سر راه والدین برای جامعه‌پذیر نمودن فرزند مطابق با برنامه تربیتی خود باشد. به رغم قبول اهمیت غیرقابل‌انکاری که پیمایش و کارهای آماری می‌تواند داشته باشد اما تاکنون کمتر از زاویه‌ای نزدیک به سبک تربیتی والدین پرداخته شده و اغلب محققان بافاصله‌ای زیاد به مسائل نگرسته‌اند. بنابراین کارهای کیفی می‌تواند با روشن کردن بخش‌هایی که از زوایای پنهان دارای کارآمدی است بپردازد. در اینجا اهداف مهمی که مطرح است به شرح زیر است:

الف) شناسایی شرایطی که پای‌بندی به نماز در فرزندان را پیش‌بینی می‌کند.

ب) شناسایی زمینه‌های لازم در جذب فرزندان به نماز

ج) تعیین راهبردهای رسیدن به هدف

د) شناسایی عوامل مداخله‌گر و شناسایی روش‌های مقابله والدین با این عوامل.
با کنکاشی که برای رسیدن به این اهداف در پژوهش حاضر صورت گرفت، نظریه‌ای مبنایی برای برای دست‌یابی به اهداف فوق‌الذکر ساخته خواهد شد.

روش پژوهش

پژوهش حاضر در زمره پژوهش‌های کیفی از نوع تئوری زمینه‌ای^۱ (GT) است که به‌منظور بررسی چگونگی پژوهش‌ها نمازخواندن در فرزندان در مسیر پیش روی والدین مورد استفاده قرار گرفت. روش GT به دلیل فراهم‌سازی امکان تعامل عمیق و نزدیک با کنش‌گران انسانی از طریق ابزار اصلی جمع‌آوری اطلاعات که مصاحبه است، امکان مدلی برخاسته از جامعه ایرانی را فراهم ساخت. بررسی داده‌ها و سپس گردآوری آن‌ها در قالب مفاهیم، مقولات و سرانجام مدل، آن هم نه با تئوری از پیش تعیین‌شده، بلکه با مدلی بومی امکان مناسبی برای پژوهشگرانی است که به پدیده‌های فرهنگی خاص (مانند پای‌بندی به نماز) علاقه‌مند هستند که اجازه می‌دهد تئوری از دل داده‌های جامعه مور نظر پدیدار شود. در ادامه به تفضیل نحوه نمونه‌گیری و مراحل سه‌گانه تئوری زمینه‌ای شرح داده شده است.

جامعه آماری شامل کلیه والدین موفق در امر نمازخوان نمودن فرزند مقطع متوسطه دوم شهر بندرلنگه هست. از ملاک‌های ورود به مطالعه دارا بودن فرزند نوجوان پسر یا دختری است که به نمازهای یومیه متعهد است و به صورت خودجوش و بدون تذکر نماز را به جا می‌آورد. از آنجا که هدف تحقیق کیفی دست‌یابی به افرادی است که در حیطه مربوطه تجربه داشته باشند، در پژوهش حاضر عمدتاً از افراد با چند فرزند نمازخوان بیشتر استفاده شد.

تحصیلات	دیپلم	کارشناسی	کارشناسی ارشد
تعداد مشارکت‌کنندگان	۸	۱۵	۲

در پژوهش‌هایی که با استفاده از روش تحقیق کیفی انجام می‌شود، تعداد دقیق افراد نمونه از قبل مشخص نیست بلکه نمونه‌گیری در میدان پژوهش انجام می‌گیرد و پژوهش زمانی متوقف می‌شود که به اشباع نظری رسیده باشد. در این پژوهش متناسب با راهبرد پژوهش، نمونه‌گیری به شیوه نمونه‌گیری نظری^۱ و هدفمند بوده است که پس از مصاحبه با ۲۵ نفر اشباع نظری^۲ به دست آمد.

پس از مطالعات گسترده و اطلاع نسبی از روند کار، با توجه به سؤالات پژوهش، مسائل بیان‌شده در مصاحبه‌های اولیه، تجربیات و مشاهده‌های شخصی و متون در ارتباط با موضوع، چهارچوب اصلی سؤالات و اهم محورهای گفتگو مشخص شد. در مورد چگونگی انجام مصاحبه‌ها می‌توان گفت که پس از انتخاب موضوع، ۲۵ نفر از والدینی که موفق در امر نمازخوان نمودن فرزند بودند و به پژوهشگر معرفی شدند، با هماهنگی تلفنی، رضایت آن‌ها جلب شد و برای مصاحبه دعوت شدند. مصاحبه‌ها در اردیبهشت‌ماه سال ۱۳۹۸ در مدرسه‌ای که یکی از نگارندگان مقاله مدیر آن بود، انجام پذیرفت. هدف از چند مصاحبه اول بیشتر کسب مهارت در مصاحبه، برقراری ارتباط درست با شرکت‌کننده و تعیین محورهای اصلی در مصاحبه‌های بعدی بود. مصاحبه‌ها به صورت انفرادی و نیمه‌ساختاری بود و ابتدا سؤالاتی برای آشنایی از مشارکت‌کنندگان پرسیده می‌شد و بعدازآن سؤالات اختصاصی‌تر مرتبط باهدف پژوهش مطرح گردید. در مورد ضبط مصاحبه محقق توضیحاتی راجع اصل رازداری ارائه نمود و همکاری مشارکت‌کننده را برای استفاده از دستگاه MP3 جلب نمود. پس از یک ماه مصاحبه‌ها به اشباع رسید، یادداشت نویسی آغاز شد و مصاحبه‌ها کلمه به کلمه روی کاغذ پیاده شدند. تجزیه و تحلیل داده‌ها در این پژوهش با استفاده از روش استراوس و کوربین^۳ (۱۳۹۳) و به صورت کدگذاری در سه سطح کدگذاری باز^۴، کدگذاری محوری^۵ و کدگذاری انتخابی^۶ صورت پذیرفت. در مرحله کدگذاری باز؛ پژوهشگر مصاحبه را خوانده و در فرایند خرد کردن، بررسی، مقایسه، مفهوم‌سازی و مقوله‌بندی شروع به کار کرد.

1. theoretical sampling
2. theoretical saturation
3. Strauss & Corbin
4. open coding
5. axial coding
6. selective coding

در این مرحله سعی گردید داده‌ها در قالب مفاهیم دربیاید. جدول شماره ۱ نتایج حاصل از این مرحله است. مرحله بعدی کدگذاری محوری بود. در این نوع کدگذاری مفاهیم و مقوله‌هایی که در مرحله کدگذاری باز شناسایی شده‌اند، در تجزیه و ترکیبی جدید به یکدیگر مرتبط شدند. در واقع در این مرحله، مقوله‌های جدول ۱ به صورت یک شبکه باهم در ارتباط قرار گرفت. در این مرحله، نظریه به تدریج در حال ظهور است. هدف از این مرحله بازگرداندن نظم و انسجام به داده‌های کدبندی شده است که نتایج در جدول شماره ۲ قابل رؤیت است.

نهایتاً مرحله آخر، کدگذاری انتخابی است. پژوهشگران در این گام نهایی اقدام به مدل‌سازی و توسعه قضیه کردند. بدین صورت که مقوله‌ها در ارتباط با یکدیگر در قالب شکل شماره ۱ عرضه شد. با مشاهده مدل، میزان کلی‌تر بودن هر مقوله نسبت به سایر مقولات توصیف شده است. در این نوع کدگذاری مقوله‌ها با محوریت پدیده هسته‌ای که نمازخواندن فرزند بود، به صورت منطقی کنار یکدیگر قرار گرفتند.

در این مطالعه برای دستیابی به اعتبار پژوهش، جنبه‌هایی مختلفی مدنظر قرار گرفت. پژوهش حاضر دو استاد راهنما داشت. استاد راهنمای دوم که در فرایند مصاحبه و کدگذاری درگیر نشده بود، به عنوان بازرس خارجی^۱ در تمامی مراحل پژوهش نظارت و راهنمایی داشت. از روش‌های دیگر اعتبارسنجی در روش کیفی اعتبار از طریق اعضا است. در این پژوهش نیز نتایج پژوهش به مصاحبه‌شوندگان برگردانده و سپس با نظر آن‌ها مطابقت داده شد.

یافته‌های پژوهش

برای دستیابی به نظریه‌ای برآمده از تبیین چگونگی پرورش فرزندان نمازگزار مصاحبه‌های عمیق صورت گرفت. پس از بازبینی و مطالعه مصاحبه‌ها و برچسب مفاهیم و مقایسه آن‌ها با یکدیگر مقوله‌ها ساخته شدند.

کدگذاری باز اولیه: در این مرحله به همه نکات کلیدی مصاحبه‌ها برچسب‌های

مفهومی مناسبی داده شد که اطلاعات آن در جدول شماره ۱ ارائه شده است.

جدول ۱: کدگذاری باز (مقوله‌ها و مفاهیم)

مفاهیم	مقوله‌ها
	<p>اقدامات دوران بارداری</p> <p>- من سوره‌های وارد شده در هرمه بارداری را می‌خواندم. - خیلی مواظب حلال و حرام بودن لقمه غذا بودم.</p>
	<p>اصلاح خود و روابط با همسر</p> <p>- من دعوا و مشاجره با شوهرم را کنار گذاشتم. - «من جلوی فرزندانم غیبت نمی‌کنم و یا بد اخلاق باشم که وقتی حرف از نماز می‌شود بگویند پس خودت چی؟» - «پدرش روی دروغ حساس است و معتقد است فرزند باید ببیند دین جلوی خیلی اخلاق بد ما را گرفته است» - «من باید به غیر از زبانم بچه‌ها را به دین دعوت کنم. بچه نگاه رفتار آدم می‌کنه. مادر غرغرو چطور بچه نماز خون بار بیاره».</p>
	<p>پرورش بعد والدگری مثبت و مؤثر</p> <p>- «دعوا کردن زوجین با هم موجب می‌شود فرزند تربیت درستی نداشته باشد». - «همیشه می‌گفتم هر جا هر اتفاقی افتاد اصلاً ترس و به من بگو». - «پدرش برای نماز صبح بغلش می‌کرد، موهایش را نوازش می‌کرد و می‌گفت از خواب سیر شدی که بتونی نماز بخونی و هیچگاه تندی نکرد». - «من اگر شده ده بار بالای سرش می‌رفتم تا بیدار شود ولی هر دفعه با محبت و حوصله». - «من هیچ وقت برای نماز خواندن نه توهین، نه تحقیر و نه عصبانی شدم». - «اگر نماز می‌خواندند می‌رفتیم پشت بام غذا می‌خوردیم». - «خشک بودن بعضی والدین، تفریح را قطع کرده‌اند و این دلیل دین‌گریزی است. گویا مذهبی‌ها نباید استخر و شنا بروند»</p>
	<p>تنظیم زمان بر اساس نماز</p> <p>- «برای بیدار شدن از خواب ما زود می‌خوابیم و بعد نماز صبح پیاده روی می‌رویم که فرزندان به سحرخیزی عادت کنند». - «من در گوشه همیشه سخنرانی مذهبی دارم و در مسیر رفت و آمد پخش می‌کنم». - «بهترین کادو که دوچرخه بود را برای نماز خواندن بهش دادیم نه به معدل و نمره». - «همیشه به بچه‌ها می‌گویم که اول نماز بخوانیم و بعد بازار برویم یا اگر هم در بازار باشیم به مسجد می‌رویم که بدانند خرید باعث تعطیلی نمی‌شود». - «اگر بچه‌ها گرسنه باشند، می‌گویم که نماز بخوانید تا سفره را ببندازم». - «من همیشه در عروسی، در سفر و در مهمانی نماز می‌خوانم که فرزندم بداند نماز واجب در هر جایی است». - «وقتی کودک از بدو تولد دائم شاهد صحنه نماز خواندن پدر و مادر هر دو باشد، بعید است خودش نمازخوان نشود».</p>
	<p>برنامه‌ریزی قبل از سن تکلیف</p> <p>- هر شب قبل از خواب نعمت‌های خدا را می‌شمریم. - «من کلی کتاب شعر مصور نماز خریدم و باهاش کار کردم». - «از نظر والدین نماز و نحوه پوشش ارتباط مستقیم دارد». - «من از کودکی با مفهوم حجاب و حیا او را انس دادم». - «قبل تکلیف نماز صبح بیدارش نمی‌کردیم و فقط می‌گفتم قضایش را بخوان».</p>

مقوله‌ها	مفاهیم
برنامه‌های سن تکلیف	- من جشن مفصلی برای تکلیفش گرفتم. - مدام کلاس‌های قرآنش را ادامه می‌دهد.
مهارت حل مسئله	- «گاهی در تربیت به مشکل خوردم اما به هر روشی متوسل شدم تا حل شده» - «دبیر ریاضی‌اش رو قبول داشت و من از طریق اون مسائلش رو حل کردیم».
ایمن‌سازی محیط	- «من از کودکی روی دوستانش حساس بودم و غیرمستقیم خودم زمینه دوستی فراهم می‌کردم. وقتی از خانمی می‌دیدم که دختر هم‌سن با من دارند ناهار یا شام دعوت می‌کردم و وقت نماز سجاده پهن می‌کردم و همه با هم می‌خواندیم». - «مجبور شدیم ارتباطش با دوستان را محدود کنیم چون داشت تأثیر منفی می‌گذاشت و بی‌انگیزه شده بود». - «قبل از خرید تبلت روی کاغذ قرارداد نوشتیم و روی دیوار زدیم». - «بعضی ساعت‌ها گوشی را می‌دهم و سپس تحویل می‌گیرم. شب‌ها گوشی ممنوع است».

پس از تعیین مقولات به ساخت طبقات محوری پرداخته شد که در جدول شماره ۲ ارائه شده است:

جدول ۲: کدگذاری محوری

علل	- داشتن هدف و برنامه برای رشد بعد دین‌داری فرزند قبل از ازدواج، حین بارداری، بعد از تولد، قبل از سن تکلیف و بعد از آن، تحقیق و تفحص پیرامون نحوه تربیت فرزند، استفاده از کارشناس در بحث تربیت
نگرش خانواده	- اصلاح مداوم خود، سیستم خانواده، تعالی روابط با همسر و فرزندان و حل مسئله، توافق در مورد نحوه فرزندپروری و مسائل مذهبی
راهبردها	- ایجاد نگرش دینی در زندگی والگوسازی، یکسانی عقیده و رفتار و ارتقای رشد شخصی، اقدامات قبل از تولد فرزند، اقدامات قبل از سن تکلیف فرزند، اقدامات حین و بعد از سن تکلیف، اتخاذ سبک والدگری مثبت و مؤثر، کسب مهارت‌های حل مسئله و ایمن‌سازی محیط، انعطاف‌پذیری در تربیت
کنترل عوامل مداخله‌گر	- قطع ارتباط با افراد متفاوت، کنترل رسانه‌ها - فرستادن به مدرسه معنویت محور، توجه و دقت در انتخاب سرویس مدرسه، تعویض منزل و محله

الف) شرایط علی

کدگذاری عمیق مصاحبه‌های مادران و پدران در این تحقیق نشان داد که مراقبت، حساسیت و عزم راسخ به‌عنوان کلی‌ترین لایه (لایه شماره یک) در ایجاد دین‌داری در فرزند موجب پدیدآیی مناسک دینی در فرزندان می‌گردد. داشتن دغدغه برای داشتن فرزندی خدامحور و احساس مسئولیت در قبال دین‌داری فرزند یکی از مهم‌ترین خصوصیات والدین موفق در امر فرزند نمازگزار است. این دغدغه منجر به سطح یا لایه دوم یعنی مطالعه و کسب آگاهی از راهکارها شده بود. به‌طوری که مصاحبه‌شونده‌ها هر کدام کتاب‌های فراوانی مطالعه نموده و حتی تحقیقات انجام داده بودند. به علاوه از کارشناسان باصلاحیت نیز به‌طور مکرر مشاوره و راهنمایی دریافت داشته بودند. برای مثال یکی از بانوان حساسیت خود به نمازخواندن فرزند را این‌گونه بیان کرد: «مسئله نماز برای من خیلی زیاد اهمیت داشت و هیچ‌چیز مهم‌تر از این نبود و هنوزم نیست». مصاحبه‌شونده‌ای در مورد مطالعه خود گفت: «من از دوران دانشجویی این دغدغه را داشتم و از همان زمان دروس عمومی که داشتم تحقیق پیرامون نماز و دعوت به آن انجام دادم». مادری دیگر در مورد ارتباط با کارشناس فرمودند: «همیشه با معلمان باتجربه و باسواد یا کارشناس مذهبی ارتباط داشتم و سوالاتم را می‌پرسیدم». بعد از مطالعه و تفحص والدین برای موفق شدن راهبردهایی را اتخاذ نموده که به تفضیل در ادامه شرح داده شده است. گاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی

ب) راهبردها

راهبردهایی که مادران برای رسیدن به اهداف خود برگزیدند عبارت‌اند از: ۱. ایجاد نگرش دینی در زندگی و الگوسازی؛ ۲. یکسانی عقیده و رفتار و ارتقای رشد شخصی؛ ۳. اقدامات قبل از تولد فرزند؛ ۴. اقدامات قبل از سن تکلیف فرزند، ۵. اقدامات حین و بعد از سن تکلیف؛ ۶. اتخاذ سبک والدگری مثبت و مؤثر؛ ۷. کسب مهارت‌های حل مسئله و ۸. ایمن‌سازی محیط. در ادامه شرح مبسوط هر مورد همراه با نمونه‌هایی از اظهارات آمده است.

۱. ایجاد سبک زندگی دین‌محور و الگوسازی

داشتن فرزند نمازخوان مرهون عواملی کلی‌تر از صرف توجه به نماز است و لازم

است سبکی از زندگی مدنظر قرار گیرد که برون داد آن فرزند با نماز است. ارتباط با مساجد و محافل دینی، قرار دادن برنامه‌های سفر زیارتی، گوش دادن سخنرانی‌های مذهبی در منزل یا اتومبیل، تنظیم کارهای روزمره چون خرید، صرف غذا، تفریح، ساعات خواب و بیداری بر اساس وقت نماز، انتخاب برنامه‌ها تلویزیونی، تشویق‌ها و تنبیه‌ها، آمد و شد با فامیل و دوستان در این گروه از مشارکت‌کنندگان در تحقیق قابل توجه بود.

به علاوه نکته بسیار حائز اهمیت از نگاه والدین الگوی تمام‌عیار بودن خود والدین در رعایت تک‌تک این نکات و توجه ویژه به نماز توسط والد است که زمینه موفقیت در بعد دین‌داری را فراهم می‌سازد. ساختار حاکم بر خانواده در شکل‌گیری هویت فرد تأثیر به‌سزایی دارد. وقتی خانواده سعی در نهادینه کردن فرهنگ و ارزش‌هایی خود در فرزندان دارد، فرزند ابتدا به رفتارهای والدین نگرسته و الگوبرداری می‌نماید. والدین شرکت‌کننده در تحقیق حاضر بیان می‌داشتند که در موقعیت‌های گوناگون به امر نماز اهتمام داشته‌اند تا فرزند بداند این فعل از اهمیت برخوردار است. این مادران عقیده داشتند که به‌ندرت می‌توان فرزند نمازخوان باشد درحالی‌که پدر و مادرش بی‌نماز باشند. در ادامه تعدادی از اظهارات بانوان ارائه شده است:

- «برای بیدار شدن از خواب ما زود می‌خوابیم و بعد نماز صبح پیاده‌روی می‌رویم که فرزندان به سحرخیزی عادت کنند».
- «من در گوشی همیشه سخنرانی مذهبی دارم و در مسیر رفت و آمد پخش می‌کنم».
- «بهترین کادو که دوچرخه بود را برای نمازخواندن بهش دادیم نه به معدل و نمره».
- «همیشه به بچه‌ها می‌گویم که اول نماز بخوانیم و بعد بازار برویم یا اگر هم در بازار باشیم به مسجد می‌رویم که بدانند خرید باعث تعطیلی نمی‌شود».
- «اگر بچه‌ها گرسنه باشند، می‌گویم که نماز بخوانید تا سفره را ببندازم».
- «من همیشه در عروسی، در سفر و در مهمانی نماز می‌خوانم که فرزندم بداند نماز واجب در هر جایی است».
- «وقتی کودک از بدو تولد دائم شاهد صحنه نمازخواندن پدر و مادر هر دو باشد، بعید است خودش نمازخوان نشود».

۲. یکسانی عقیده و رفتار و ارتقای رشد شخصی

وقتی والدین برای فرزندان خود از فواید نماز می‌گویند بالطبع نوجوان به رفتارهای آنها می‌نگرد که آیا نمود رفتاری والدین حاکی از بحث انسان‌سازی نماز هست یا خیر. والدین بی‌مسئولیت، بی‌توجه به بهداشت و نظم، بد اخلاق و دارای صفات رذیله اخلاقی این فکر را به فرزند خود القا می‌کنند که چرا نماز از وی انسان خوبی نساخته است و بنابراین ارزش نماز در نگاه آنها کاهش می‌یابد. بنابراین والدین تحقیق حاضر سعی نموده که عقاید دینی خود را با رفتارشان هماهنگ کنند و در راستای این هدف از غیبت، مردم‌آزاری، کینه و حسد پرهیز می‌کنند. این مادران برای داشتن فرزندی دین‌دار ابتدا بر روی صفات اخلاقی - اجتماعی خودکار کردند. بانوی ۴۰ ساله‌ای بیان نمود که: «من جلوی فرزندانم غیبت نمی‌کنم و یا بد اخلاق باشم که وقتی حرف از نماز می‌شود بگویند پس خودت چی؟». دیگری بیان داشت: «پدرش روی دروغ حساس است و معتقد است فرزند باید ببیند دین جلوی خیلی اخلاق بد ما را گرفته است». خانم ۴۵ ساله‌ای اظهار کرد که: «من باید به غیر از زبانم بچه‌ها را به دین دعوت کنم. بچه نگاه رفتار آدم می‌کنه. مادر غرغرو چطور بچه نمازخوان بار بیاره».

۳. اقدامات قبل از تولد: توجه به غذای مصرفی، خواندن قرآن و دعا.

مادران در ایام بارداری به دنبال داشتن فرزندی دین‌دار بودند و بنابراین اقداماتی چون نخوردن بسیاری از غذاها را در دستور کار خود قرار داده بودند. شرکت‌کنندگان معتقد به ختم قرآن در ایام بارداری بودند. مادری بیان کرد: «من در دوران بارداری بسیاری از مهمانی‌ها را نمی‌رفتم که نمی‌دانستم راه درآمد میزبان حلال باشد یا خیر». دعا کردن برای داشتن فرزند صالح نیز راهبرد دیگری بود که مادران به آن اشاره داشتند. مادری بیان می‌نمود که: «من خیلی زیاد متوسل به امام زمان می‌شدم». خانمی دیگر گفت که: «من زیاد در قنوت نماز آیه رَبِّ اجْعَلْنِي مُقِيمَ الصَّلَاةِ وَ مِنْ ذُرِّيَّتِي را می‌خواندم». مشارکت‌کننده دیگری اظهار کرد: «من وظایف خودم را انجام دادم اما در آخر فرایند دست خداست و باید بسپارم به خودش».

۴. اقدامات قبل از سن تکلیف

مصاحبه‌شوندگان معتقد بودند که سن تکلیف برای آغاز نمودن نماز دیر است و اگر تا آن موقع فرزند عادت به نمازخواندن نکرده باشد، مسائل بلوغ نیز دامن زده و

فرزند از نمازخواندن سرباز می‌زند. با توجه به همین امر مادران از سنین پایین شروع به گامهایی: ۱. معرفی خداوند مهربان و شمارش نعمتها در قالب داستان و شعر؛ ۲. اذکار خاص هر سن را یاد داده؛ ۳. همراه خود به نماز جماعت و مسجد بردن؛ ۴. تهیه جانماز و چادر برای دختران و عبا برای پسران؛ ۵. آموزش وضو و نماز یا فردی یا با استفاده از کلاس‌های آموزشی و ۶. تأکید بر نمازخوانی را در دستور کار خود قرار دادند. نمونه‌هایی از نقل قول‌های مادران در زیر آورده شده است:

«من کلی کتاب شعر مصور نماز خریدم و با بچه‌ام کار کردم».

«از نظر والدین نماز و نحوه پوشش ارتباط مستقیم دارد».

«من از کودکی با مفهوم حجاب و حیا او را انس دادم».

«قبل تکلیف نماز صبح بیدارش نمی‌کردیم و فقط می‌گفتیم قضایش را بخوان».

۵. اقدامات حین و بعد از سن تکلیف

مادران پژوهش حاضر عنوان کردند که برای شروع سن تکلیف جشن برگزار نمودند یا با کمک دبیران مدرسه جشن کلی گرفتند. فرستادن به کلاس‌های قرائت قرآن و استمرار تلاش برای شرکت در مجالس و مساجد نیز در این مرحله ادامه دارد. مادری بیان کرد: «من برای جشن تکلیف خانه را چراغانی کردم. مداح آوردم و تجربه خوبی برایش به وجود آوردم». بانوی دیگری ابراز داشت: «یک جشن کلی گرفتیم و معلمان هم آمدند و نماز شکر باهم خواندیم».

۶. اتخاذ سبک والدگری مثبت و مؤثر

چگونگی تعامل والدین با فرزندان پیامدهای رفتاری ویژه‌ای را به دنبال دارد. بانوان مشارکت‌کننده در تحقیق حاضر بیان داشتند که اگر مادر و پدر نتوانند اختلاف زناشویی خود را حل کنند و محیط خانه محل ستیزه باشد امکان رشد معنوی کم می‌شود. در بعد دیگر والدگری، تنبیه، تحقیر و سرزنش فرزند نیز سدی بر سر راه رشد است. محبت و مهرورزی و شادی‌آفرینی با فرزند عاملی مهم برای رسیدن والدین به پیامد تربیتی مدنظر از دید بانوان شرکت‌کننده در پژوهش حاضر است.

در اهمیت ایجاد محیط امن در منزل عبارت مادری ۴۰ ساله بدین شکل بود: «دعوا کردن زوجین باهم موجب می‌شود فرزند تربیت درستی نداشته باشد». والد دیگری بیان کرد: «همیشه می‌گفتم هر جا هر اتفاقی افتاد اصلاً نترس و به من بگو». نمونه‌ای از

محبت‌مداری را مادری این‌گونه گفت: «پدرش برای نماز صبح بغلش می‌کرد، موهایش را نوازش می‌کرد و می‌گفت از خواب سیر شدی که بتونی نماز بخونی و هیچگاه تندی نکرد». دیگری بیان کرد: «من اگر شده ده بار بالای سرش میرفتم تا بیدار شود ولی هر دفعه بامحبت و حوصله». کنترل شیوه‌های مخرب را بدین صورت اظهار داشت: «من هیچ‌وقت برای نماز خواندن نه توهین، نه تحقیر و نه عصبانی شدم». ایجاد محیط شاد و مفرح نیز والد را برای ایجاد نتیجه دلخواه تربیتی آماده می‌سازد. مادری بیان کرد: «اگر نماز می‌خواندند می‌رفتیم پشت‌بام غذا می‌خوردیم». یا مادری که دبیر بود و علل شکست والدین در تربیت را رصد کرده بود بیان داشت: «خشک بودن بعضی والدین، تفریح را قطع کرده‌اند و این دلیل دین‌گریزی است. گویا مذهبی‌ها نباید استخر و شنا بروند».

۷. انعطاف‌پذیری در تربیت

والدین نمی‌دانند که وقتی قانونی را برای فرزندشان می‌گذارند، آیا فرزند باید همیشه به آن پای‌بند باشد یا خیر؟ وقتی والدین قانون خاصی را برای کودکشان وضع می‌کنند و روی آن پافشاری می‌کنند، درواقع به کودک می‌گویند که انجام چه کاری درست و چه کاری نادرست است. از طرفی دیگر اگر آن‌ها این کار را بکنند، دائم مجبورند که به فرزندشان بگویند، نه این کار رو نکن. بنابراین برای هر قانونی که وضع می‌کنند باید با توجه به شرایط فرزندشان استثناهایی را هم در نظر بگیرند. بعضی از والدین انعطاف‌پذیرند و بعضی دیگر خیلی سختگیرند. والدین انعطاف‌پذیر گاهی اوقات به کودکشان نه می‌گویند و گاهی به او وعده و وعید می‌دهند و گاهی با او کنار می‌آیند و حرف‌های او را قبول می‌کنند. از نظر مشارکت‌کنندگان در تحقیق رفتار خشک مذهبی و عدم انعطاف‌پذیری خود دلیلی بر عدم رغبت به نماز توسط فرزندان است. مادری بیان کرد: «من ماه رمضان با یک خانواده پارک رفته بودیم. فرزند آن‌ها سال اول روزه‌اش بود. مادر می‌گفت نماز اول وقت. درحالی‌که من اگر جای او بودم برای فرزندم با شروع وقت افطار لقمه محبت‌آمیز می‌گرفتم و به او می‌دادم». اظهارات زیر نیز در همین مقوله جای می‌گیرد: - «در مواقعی که منظم یا سروقت نمی‌خواند یا تندتند می‌خواند، انتقاد یا سرزنش نکنید».

- «فرزندان در امور دینی مانند کودک نوپا هستند، راه می‌روند و می‌افتند ولی با

مهربانی درست می‌شوند».

- «اگر بچه‌ها خسته بودند اجازه می‌دادم نشسته نماز بخوانند».

۸. کسب مهارت‌های حل مسئله

در مسیر پرورش فرزند فراز و نشیب‌هایی رخ می‌دهد. والدین شرکت‌کننده در تحقیق حاضر در هنگام مواجهه با چالش‌های فرزند چون شک در مورد دین و نماز به کتب و افراد ذی‌صلاح مراجعه می‌نمودند. تعدادی نیز خودشان با کاوش بر روی مسئله و با شناخت روحیات فرزند مقابله مؤثری داشتند. دبیری اعلام کرد: «من سه‌چهارتا تحقیق در مورد نماز انجام دادم و متناسب با خانواده خودم پیاده کردم». دیگری بیان کرد: «کمک از دبیران معتقد همیشه در جاهایی که گیر کردم به من کمک کرده است چون بچه‌ها معلمانشان را قبول دارند».

۹. ایمن‌سازی محیط

برنامه‌های ماهواره، گوشی‌های هوشمند، برنامه‌های تلویزیونی، دوستان و آشنایان از جمله مواردی هستند که از نظر مادران در تربیت فرزند مزاحمت ایجاد می‌کنند. در مرحله اول مادران موفق در تربیت فرزند نمازگزار دستگاه ماهواره نداشتند یا کانال‌ها محدود است. در مورد گوشی‌های هوشمند برنامه‌ریزی برای زمان استفاده یکی از راه‌حل‌های ایمنی‌بخش بود. مثالی از گفته‌های مادر: «تلویزیون و گوشی واقعاً ضربه می‌زند. من نمی‌گذارم استفاده طولانی شود و برنامه‌ریزی می‌کنم که وقتشان پر شود. الآن به خودکترلی رسیدند». پر کردن وقت فرزندان با کلاس یا دوره‌های آموزشی در اظهارات مادران می‌توان دید: «از وقتی این گوشی‌ها آمدند، دوره‌های خانوادگی را بیشتر کردم که وقتشان پر بشود». نمونه‌هایی از قوانین مادران:

- «قبل از خرید تبلت روی کاغذ قرارداد نوشتیم و روی دیوار زدیم».

- «بعضی ساعت‌ها گوشی را می‌دهم و سپس تحویل می‌گیرم. شب‌ها گوشی ممنوع است».

فرستادن به مدرسه معنویت محور: یکی از راهکارهای ایمنی مادران بود. بانوی ۴۶ سال‌های گفت: «من دخترم را مدرسه غیرانتفاعی دینی فرستادم. مدیر و معلمان همه جهت‌گیری مذهبی داشتند و کارم راحت شد».

توجه و دقت در انتخاب سرویس مدرسه:
 - «من نمی‌خواستم حتی ذره‌ای وقتش صرف مزاحمت خیابانی شود و برای همین
 یا خودمان می‌بردیم یا سرویس ایمن».
 تعویض منزل و محله:
 - «دختر همسایه ما دختری بود که ذهن او را خراب می‌کرد ما مجبور به منزل عوض
 کردن شدیم».

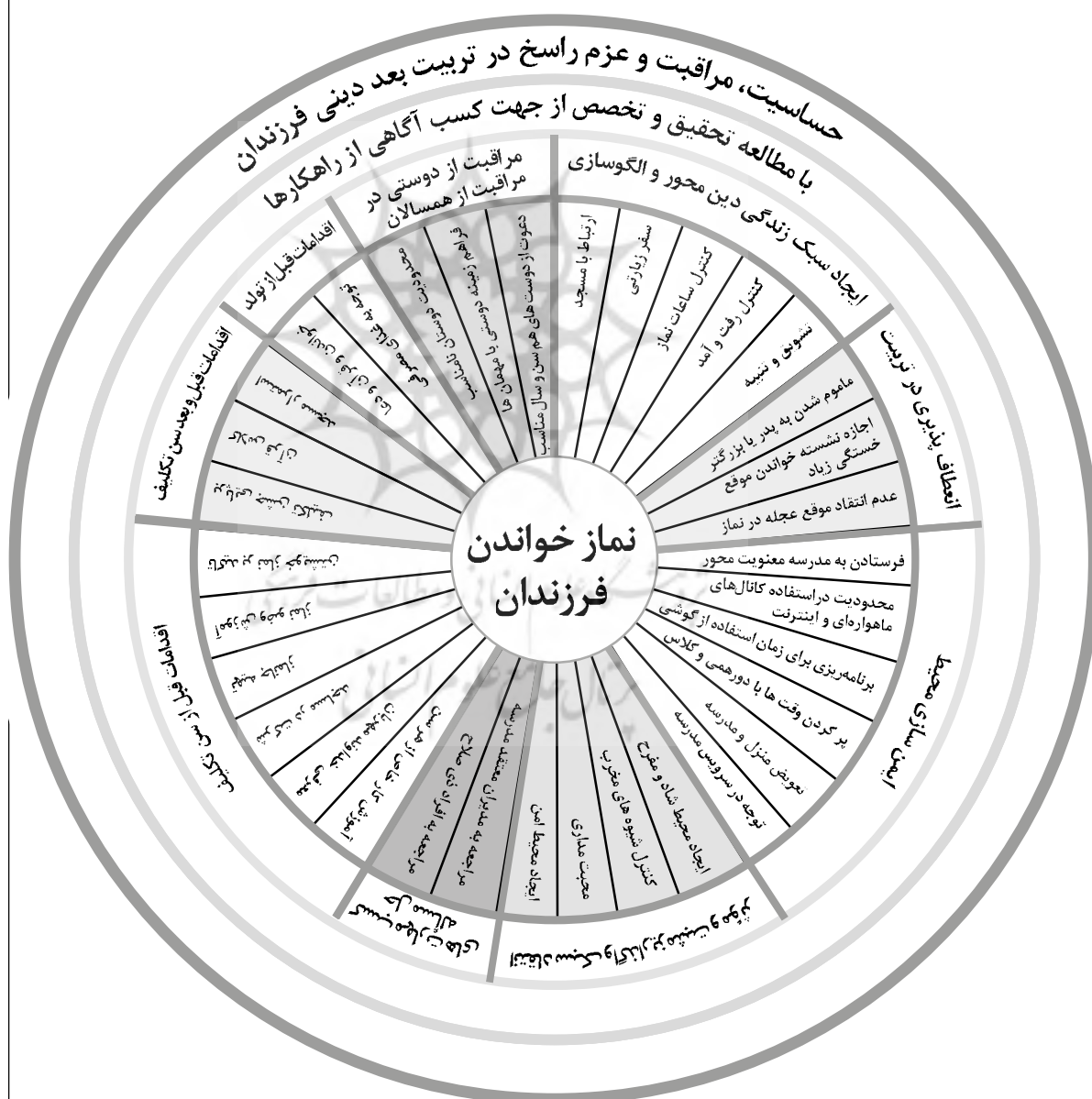
۱۰. مراقبت از دوستی‌ها و روابط با همسالان

نظارت بر دوستی‌ها و داشتن فلسفه برای چگونگی ارتباط با دوست و همسال یکی دیگر از عوامل مهم در موفقیت والدین در به ثمر رساندن اهداف خود برای تربیت فرزند است. مادران بیان داشتند که داشتن دوست و برقراری روابط اجتماعی با دیگران از نیازهای اساسی فرزندان به خصوص در سنین نوجوانی و جوانی است. گرچه رفیق خوب و شایسته برای کلیه طبقات مردم در تمام ادوار زندگی ارزنده و مهم است ولی برای نسل جوان اهمیت بیشتر دارد، زیرا جوانی دوره گسترش دوستی‌ها و رفاقت با همسالان است و جوانان که در آستانه زندگی اجتماعی قرار گرفته‌اند می‌توانند به وسیله رفیق خوب و بافضیلت، شخصیت خود را تقویت کنند و استعدادهای اجتماعی خویش را به فعلیت در آورند و خود را برای فعالیت‌های دامنه‌دار اجتماعی فردای خویش مهیا سازند. در سنین نوجوانی زمینه برای لغزش‌ها و آلودگی‌ها کاملاً آماده است. از این رو گاه ممکن است زحمات شبانه‌روزی و چندین ساله پدر و مادر که سعی کرده‌اند فرزندی بی‌آلایش تربیت کنند، به علت قرار گرفتن در محیط‌های آلوده و تماس با افراد ناسالم به سرعت از بین برود، بر این اساس مراقبت خانواده در دوران نوجوانی از اهمیتی ویژه برخوردار است. بعضی خانواده‌ها از اهمیت چنین مراقبت‌هایی غافل‌اند و یا به علت گرفتاری‌های دیگر، چندان توجهی به این مسائل حیاتی از خود نشان نمی‌دهند. برخی دیگر از خانواده‌ها به فرزندان نوجوان خود اعتماد بیش از حد دارند و گمان می‌کنند که فرزند آن‌ها از قماش دیگری است و حتی فکر خطا نیز به ذهن او خطور نمی‌کند تا چه رسد به اینکه در عمل لغزشی از او سر بزند. انسان هر اندازه که پاک و بی‌آلایش باشد، در معرض لغزش و خطاست؛ به ویژه در دوران نوجوانی که از تجربه و روشن‌بینی کافی برخوردار نیست. این خوش‌بینی سبب می‌شود که پدر و مادر غفلت کنند و به‌موقع وظایف خود را نسبت به فرزندان انجام ندهند. در ادامه تعدادی از گفتارهای مادران ارائه شده است.

- «من از کودکی روی دوستانش حساس بودم و غیرمستقیم خودم زمینه دوستی

فراهم می‌کردم. وقتی از خانمی می‌دیدم که دختر هم‌سن با من دارند ناهار یا شام دعوت می‌کردم و وقت نماز سجاده پهن می‌کردم و همه باهم می‌خواندیم». - «مجبور شدیم ارتباطش با دوستان را محدود کنیم چون داشت تأثیر منفی می‌گذاشت و بی‌انگیزه شده بود».

کدگذاری گزینشی: در مرحله نهایی مقولات در سطح انتزاعی تری ارائه می‌شوند. مدل پارادایمی نظریه زمینه‌ای در شکل زیر نشان داده شده است.



شکل ۱. مدل پارادایمی نظریه زمینه‌ای چگونگی نهادینه کردن نماز در فرزندان

بحث و نتیجه‌گیری

اولین سؤال پژوهش این بود که رفتار نمازخواندن فرزندان تحت تأثیر چه عواملی ایجاد می‌شود؟ زیرساخت اصلی نهادینه شدن نماز در فرزند از نگاه مشارکت‌کنندگان در پژوهش حاضر «داشتن عزم راسخ برای تربیت دینی» است. همان‌گونه که در مدل نشان داده شده است، این مقوله بسیار کلی و دربرگیرنده سایر اقدامات است. در واقع، مهم بودن تربیت عبادی هدفی است که در ابتدای مسیر فرزنددار شدن، برای رسیدن به پای‌بندی فرزند به نماز باید موجود باشد. پس از این عزم و اراده سؤال دوم تحقیق این بود که بعد از هدف‌گذاری چه عواملی زمینه‌ساز موفقیت والدین جهت جذب فرزندان به نماز می‌گردد؟ پاسخ این سؤال، «ایجاد نگرش دینی در زندگی و الگوسازی» بود. سرمشق و الگو در مطالعات روان‌شناسی به‌عنوان عاملی مؤثر در رفتار انسان‌ها پذیرفته شده است. سردمدار این نظریه آلبرت بندورا است که معتقد است از طریق سرمشق‌گیری یا مشاهده کردن رفتار الگو و تکرار کردن آن رفتار، این امکان وجود دارد که فرد پاسخ‌هایی را اکتساب کند که قبل هرگز انجام نداده است. به وسیله سرمشق همچنین می‌توان پاسخ‌های موجود را نیرومند یا ضعیف کرد. فرزندان با الگو قرار دادن والدین رفتارهای آن‌ها را فرامی‌گیرند و حتی در امور مذهبی و ماورایی، والدین خود را سرمشق قرار می‌دهند. از نظر بندورا اغلب رفتارهای انسان از طریق الگو آموخته می‌شود.

این یافته همسو با نتایج پژوهش حیدری، هاشمی و نقش (۱۳۹۵) است که پای‌بندی والدین و پدران به برپایی نماز و اعمال دینی قدرت پیش‌بینی‌کنندگی ارتباط دانشجویان را در ارتباط با خداوند دارد؛ به این معنا که تقید هر بیشتر والدین به برپایی نماز و انجام اعمال عبادی، تأثیر مستقیم بر میزان ارتباط با خدا در فرزندان دارد. الگوی تمام‌عیار بودن خود والدین در رعایت تک‌تک نکات دینی و توجه ویژه به نماز توسط والد است که زمینه موفقیت در بعد دین‌داری را فراهم می‌سازد. ساختار حاکم بر خانواده در شکل‌گیری هویت فرد تأثیر به‌سزایی دارد. وقتی خانواده سعی در نهادینه کردن فرهنگ و ارزش‌هایی خود در فرزندان دارد، فرزند ابتدا به رفتارهای والدین نگرسته و الگوبرداری می‌نماید. والدین شرکت‌کننده در تحقیق حاضر بیان می‌داشتند که در موقعیت‌های گوناگون به امر نماز اهتمام داشته‌اند تا فرزند بدانند این فعل از اهمیت برخوردار است. این مادران عقیده داشتند که به‌ندرت می‌توان فرزند نمازخوان باشد در حالی که پدر و مادرش بی‌نماز باشند.

سومین پرسش مطرح در پژوهش حاضر این بود که والدین از چه راهبردهایی برای ایجاد نمازخوانی فرزندان بهره می‌برند؟ یکسانی عقیده و رفتار و ارتقای رشد شخصی راهبرد والدین برای نمازخوان نمودن فرزند بود. فرزندان از راه مشاهده وضع بیرونی مادر و پدر تربیت می‌یابد، اگر راه و روش آن‌ها به ویژه مادر عمق نداشته باشد و آنچه را که می‌بیند، دلش باور نکند، تربیت نمی‌پذیرد. مادر برای طفل باید فردی قابل اعتماد باشد و تعریف‌ها و تحسین‌های کودک باید از این اعتماد منشأ گیرد. پدر یا مادری که دائماً به اندرزگویی می‌پردازند، ولی خود در جهل و خودپرستی به صرف کردن زمان به بیهودگی سرگرم‌اند کودک را نه تنها از خود، بلکه از هر چه نام عنوان پند و موعظه دارد، متنفر می‌سازند. هیچ چیز مانند تضاد گفتار و کردار تباه‌کننده تربیت نیست. حضرت علی (ع) به این مهم اشاره می‌فرماید: ﴿لَعَنَ اللَّهُ الْآمِرِينَ بِالْمَعْرُوفِ التَّارِكِينَ لَهُ، وَ النَّاهِينَ عَنِ الْمُنْكَرِ الْعَامِلِينَ بِهِ﴾ (امامی و آشتیانی، ۱۳۸۷ ق، خطبه ۱۲۹): لعنت خدا بر آنان که به معروف فرمان دهند و خود آن را واگذارند و از منکر بازدارند و خود آن را بجا آورند. از مسائل مهم در تربیت ایجاد عادات اخلاقی است. اخلاقی که دارای ضوابط اندیشیده شده و ارادی باشد. شک نیست که اخلاق مبتنی بر عادات نیندیشیده شده، به مراتب بدتر از بد اخلاقی است؛ بنابراین در ایجاد عادات باید بسیار محتاط بود. مادر باید از طریق تمرین و تشویق میل به پذیرش دائمی جنبه‌هایی اصولی اخلاقی را به وجود آورد و این نیازمند به تحریک مداوم است. از تحقیقات همخوان با این یافته می‌توان به هادیان، غرویراد و آذربایجانی (۱۳۹۲) اشاره نمود که نشان دادند که والدین از مهم‌ترین عوامل شکل‌دهی و تقویت یا تضعیف دینداری در فرزندان خود بوده و از روش‌های گوناگون نظیر باورها و رفتارهای دینی خود، نوع دلبستگی با فرزندان، روابط عاطفی با آنها، سبک فرزندپروری و نوع رسیدگی به نیازهایشان بر دین‌داری آنان اثر می‌گذارد. جهت‌گیری مذهبی در والدین پیش‌بینی‌کننده سبک اقتدارگرا است و آن نیز به نوبه خود پیش‌بینی‌کننده انتقال ارزش‌هایی دینی والدین به فرزندان است (Nelson, 2009). در ارتباط با اهمیت «اقدامات قبل از تولد»، می‌توان گفت که تربیت دینی در سال‌هایی اول می‌توان پایه‌گذاری کرد و مفاهیم خوب و بد را در ذهن فرزند استوار و بذره‌های اعتقادی در دل او پاشید. والدین پیش از تولد فرزند و یا پیش از انعقاد نطفه و یا حتی خیلی پیش‌تر از تصمیم به ازدواج باید خود را برای پذیرفتن، پرورش دادن و تربیت دینی

فرزندان آماده کنند و همین‌که بچه‌ای به دنیا بیاورند و غذایش بدهند کافی نیست، اولین قدم در جهت آموزش دین به فرزندان در اوایل ساعات زندگی دنیوی گفتن اذان و اقامه در گوش فرزند و آموزش اذکار خاص مناسب هر سن و بردن به مسجد است چراکه روح انسان شبیه خمیر است که آن را در هر قالبی ریخته شود به همان شکل درمی‌آید.

در ارتباط با اینکه «اقدامات قبل از سن تکلیف» چگونه منجر به نمازخوان شدن فرزندان می‌گردد به این تبیین روان‌شناسی اشاره می‌شود که به عقیده جیمز پرات^۱ آنچه در دین‌داری انسان مهم است این است که فرد در نخستین سال‌های زندگی در نظام زنده‌ای از تصاویر کلمات و اعمال دینی غرق شود. به نظر او همه نهادهای مذهبی که در زندگی فرد مؤثرند. در زمان کودکی وارد تجربه او می‌شوند. تا رفع نشود فرد به مجموعه بعدی نیازها اهمیت نمی‌دهد. جیمز پرات معتقد است که زمانی که والدین دین‌داری خود را در مقابل فرزندان کاملاً ظاهر ساخته و به آن جلوه بیرونی دهند، فرزندان نیز با الگو قرار دهی آنها به تقلید رفتارهای والدین مبادرت می‌ورزند (به نقل از: Main, 2006).

در رابطه با «اتخاذ سبک والدگری مثبت و مؤثر» در ابتدا باید بیان داشت که در این پژوهش اتخاذ سبک والدگری مثبت و دین‌محور که تلفیقی از محبت و قدرت هستند توانستند محیطی امن برای تربیت با محوریت محبت و دور از خشونت کلامی و رفتاری فراهم کنند. شیوه فرزندپروری والدین، روشی است که کودک بر اساس آن به شکل عادی و طبیعی در خانه پرورش می‌یابد و این نحوه پرورش بر عملکرد وی در مدرسه و زندگی اجتماعی و نیز زندگی آتی او تأثیرگذار است. شیوه فرزندپروری مؤثر از فرهنگی به فرهنگ دیگر متفاوت است. در درون هر فرهنگ، خانواده‌ها نیز دارای شیوه فرزندپروری متفاوت هستند. به‌طورکلی در فرزندپروری نمی‌توان شیوه‌ای را به صورت یک قالب برگزید و اعمال کرد. هر خانواده در ارتباط با هر کودک و متناسب با موقعیتی که در آن قرار دارد شیوه فرزندپروری خاص خود را برمی‌گزیند. غالباً والدین شیوه مخصوص به خود را که ترکیبی از عوامل مختلف است، به‌کار می‌گیرند. شیوه فرزندپروری متأثر از خلق‌وخو و طبیعت والدین و فرزندان است. بیشتر والدین تجارب فرزندپروری را از والدین خود فرامی‌گیرند، البته گاه آگاهانه سبکی متفاوت از سبک فرزندپروری والدین خود را انتخاب کرده و اعمال می‌کنند (Santrock, 2007). همچنین شایان ذکر است که بیان شود شیوه‌ها و روش‌های انضباطی

والدین تحت تأثیر خصوصیات شخصیتی و نظام اعتقادات آنان شکل می‌گیرد. والدینی که از نظر روانی سالم بوده و دارای بلوغ فکری هستند معمولاً با فرزندان خود مهربان هستند و به نیازهای آنان توجه دارند. این نحوه ارتباط موجب امنیت عاطفی، استقلال، توانش اجتماعی کودک می‌شود. سطح انتظارات والدین نیز بر شیوه فرزندپروری آنان تأثیر دارد. والدینی که از کودک انتظارات زیاد دارند در صورت عدم دستیابی به آن، غالباً به زور متوسل می‌شوند. در حالی که از دیگر علل گرایش فرزندان به نماز انعطاف‌پذیری والدین است والدین دین‌محور و معتقد با ساختار مثبت، انعطاف‌پذیری را چاشنی شیوه تربیتی خود می‌کنند و با آزادمنش به فرزندان اجازه می‌دهند که با توجه به مقتضیات موجود در محیط مذهبی زندگی خود تصمیم‌گیری کنند و در برابر تصمیمات خود مسئول و پاسخگو باشند. تبیین دیگر می‌تواند به این شکل باشد که وقتی والدین سعی در نهادینه کردن فرهنگ و ارزش‌هایی خود دارد، شیوه‌های قدیمی تربیت از جمله وادار کردن به اطاعت، با روش مستبدانه و تنبیه و تشویق آنی کارساز نیست. فرزندان امروز احترام و تشویق را حق خود می‌دانند و اغلب انتظار دارند. در مورد رفتارشان به آنان اعتراض نشود و مورد تشویق قرار بگیرند. پژوهش‌های روان‌شناسی نشان داده است که از بین عواملی نظیر شباهت، قدرت و صمیمیت تأثیر قوی‌تری بر جا می‌گذارد. (اتکینسون، هیلگارد و اتکینسون، ۱۳۷۵) ایجاد صمیمیت و رابطه محبت‌آمیز باعث می‌شود که فرزندان از والدین و درخواست‌های آنان، از جمله در امر اعمال عبادی، پیروی می‌کنند.

در تبیین اینکه چگونه کسب «مهارت‌های حل مسئله» در والدین منجر به گرایش فرزندان به نماز می‌گردد می‌توان بیان داشت حل مسئله، مهارت مقابله‌ای و عملی است که موجب افزایش حرمت خود می‌شود و با سازش‌یافتگی شخصی مطلوب ارتباط دارد و شامل پنج گام: ادراک خویشتن، تعریف مسئله، تهیه فهرستی از راه‌حل‌های مختلف، تصمیم‌گیری در مورد مناسب‌ترین راه‌حل، و امتحان کردن راه‌حل انتخابی است. والدین با استفاده از این مهارت‌ها فاصله بین وضعیت موجود و وضعیت مطلوب (نمازخوان نمودن فرزند) را به بهترین نحو ممکن پر می‌کنند. در فرایند «حل مسئله» والدین در رویارویی با مشکلی که در حال حاضر ایجاد شده است و به‌عنوان نمونه نمازخوان نبودن فرزند می‌تواند راه‌حل‌های زیادی را پیدا کنند و سپس با فرایند تصمیم‌گیری و با در نظر گرفتن پیامدهای هر یک از این راه‌حل‌ها، بهترین آن‌ها را برای رفع این مشکل به‌کار ببندد.

چهارمین پرسش تحقیق عبارت بود از اینکه چه عواملی فراروی خانواده برای ارتقای تربیت دینی فرزندان مداخله می‌کند و روش مقابله والدین با این موانع کدام‌اند؟ از آنجاکه هیچ فردی در خلأ و بدون ارتباط با دیگران جامعه‌پذیر نمی‌شود؛ لذا تأثیر محیط و دوستان به‌عنوان شبکه‌های اجتماعی که فرد با آن‌ها در ارتباط است بر فرایند اجتماعی شدن فرد تأثیرگذار و غیرقابل انکار است. در همین راستا از آنجاکه در دوران نوجوانی پیوند نوجوانان با والدینشان به تدریج ضعیف‌تر می‌شود، همسالان در رشد روانی آنان نقش حساسی می‌یابند. همسالان، امکاناتی برای یادگیری مهارهای اجتماعی، کنترل رفتار و در میان گذاشتن مشکلات و احساسات مشابه فراهم می‌کنند. پذیرفته شدن از سوی همسالان و داشتن چند دوست نزدیک در زندگی نوجوان بسیار اهمیت دارد. دوستان نزدیک معمولاً هم سن و هم جنس هستند و زمینه‌های خانوادگی، ارزش‌های و هدف‌های مشابهی دارند؛ اما استثنا هم وجود دارد که در صورت منفی بودن این ارزش‌های با ارزش‌های پذیرفته‌شده‌ی جامعه، این عامل زنگ خطری می‌شود برای والدین.

تأثیری که گروه همسالان بر هر فرد می‌گذارند از خانواده مهم‌تر است لذا، هر فردی برای طرد نشدن از گروه دوستی سعی در اتخاذ دیدگاه و جهان‌بینی‌های وی می‌نماید. در صورتی که این گروه هنجارهای اجتماعی و دینی و را به رسمیت نشناسند این طرز تلقی به نوجوان منتقل می‌شود و وی نیز به تدریج از دین و مناسک عبادی وی از جمله نماز دوری می‌گزیند. «ایمن‌سازی محیط» توسط والدین راهکار مناسبی در روند موفقیت آنان در جذب فرزندان به نماز بود. می‌توان به ذکر این مطلب اشاره نمود به همین جهت است که والدین موفق با شناسایی این پروسه سعی در کنترل عوامل مخل و مزاحم می‌نمایند. والدین با کنترل سایر عوامل جامعه‌پذیر نمودن فرزند که ضمناً ناسالم نیز است مانند برخی کانال‌های ماهواره، استفاده از گوشی‌های هوشمند، شرایط تحقق اهداف دینی خود را فراهم می‌کنند و به این نحو به تربیت صحیح فرزند خویش همت می‌گمارند.

نتایج این پژوهش حاصل از اطلاعاتی است که والدین موفق اذعان داشته‌اند. لاجرم والدینی هم هستند که قصد نمازخوان نمودن فرزند را داشته‌اند ولی فرزند سرپیچی نموده است. مطالعه دلایل شکست تربیتی این گروه نیز می‌تواند ارزش پژوهشی داشته باشد. همچنین از آنجا که جامعه پژوهش حاضر محدود به شهرستان است که امکان کنترل و نظارت بر فرزندان زیاد است، تعمیم نتایج به دیگر جوامع با احتیاط باید همراه باشد.

- اتکینسون، ریچاردسی، هیلگارد، ارنسترو پیکوت و اتکینسون، رینال (۱۳۷۵). *زمینه روان‌شناسی*. تهران: رشد.
- احمدی، یعقوب (۱۳۹۶). وضعیت دینداری و نگرش به آینده دین در میان نسل‌ها مطالعه موردی شهر سنندج، معرفت فرهنگی اجتماعی، (۱): ۱۷-۴۴.
- استرس، آنسلم و کورین، جولیت (۱۳۹۳). *اصول روش تحقیق کیفی: نظریه‌مبنایی، رویه‌ها و شیوه‌ها*. ترجمه بیوک محمدی، پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی.
- امامی، محمدجعفر و آشتیانی، محمدرضا (۱۳۸۷). *نهج البلاغه با ترجمه فارسی روان*. قم: انتشارات امام علی بن ابیطالب (ع).
- انصاری، مریم و محسنی‌پور، محمدصادق (۱۳۹۷). بررسی دیدگاه دبیران دوره متوسطه پیرامون فرصت‌ها و تهدیدهای تربیت اخلاقی در نظام آموزشی. *فصلنامه مسائل کاربردی تعلیم و تربیت اسلامی*، ۳۰(۱): ۷-۳۰.
- پورموتد، خاتون و عارفی، ضرغام (۱۳۹۲). بررسی مقایسه‌ای دینداری و رابطه آن با پرخاشگری در معتادین به مواد مخدر، معتادین در حال ترک و افراد غیرمعتاد. *روان‌شناسی سلامت*، ۲(۱): ۴۶-۵۹.
- تنهایی، حسین ابوالحسن (۱۳۸۹). *درآمدی بر مکاتب و نظریه‌های جامعه‌شناسی*. ویرایش اول، چاپ ششم، تهران: مرنیدز.
- جانبرزگی، مسعود (۱۳۹۲). اثربخشی ارتقاء نگرش دینی بر رفتار مجرمانه جوانان. *روان‌شناسی و دین*، ۶(۱): ۱۹-۲۸.
- حیدری، سارا، هاشمی، زهرا و نقش، زهرا (۱۳۹۵). تأثیر پای‌بندی والدین به نماز و انجام اعمال عبادی بر میزان ارتباط با خدا در دانشجویان، کنگره ملی نماز و سلامت روان.
- دیوبند، فائزه و پارسامهر، مهربان (۱۳۹۰). بررسی رابطه بین میزان دین‌داری والدین با خشونت میان فرزندان پسر دبیرستانی. *روان‌شناسی دین*، ۴(۱): ۷۱-۸۷.
- زارع، حسن و شهابی‌زاده، فاطمه (۱۳۹۴). نگرش و التزام عملی به نماز در تدوین مدل تعهد زناشویی زنان معلم شهر بیرجند با واسطه‌گری تاب‌آوری. *زن و مطالعات خانواده*، ۷(۲۷): ۵۳-۷۱.
- زرین جوی‌الوار، مریم، فیاض، ایراندخت (۱۳۹۶). بررسی رابطه بین روش‌های تربیتی مادران با مسئولیت‌پذیری دانش‌آموزان، *فصلنامه علمی پژوهشی مسائل کاربردی تعلیم و تربیت اسلامی*، ۲(۲): ۳۷-۶۰.
- سلطانی‌نژاد، عبدالله و همکاران (۱۳۹۲). بررسی رابطه جهت‌گیری مذهبی با رفتارهای خودکشی‌گرایانه سربازان. مجموعه مقالات سمینار سبک زندگی با محوریت سلامت. خراسان جنوبی: سازمان مرکزی دانشگاه علوم پزشکی و خدمات بهداشتی بیرجند.
- شجاعی، احمد (۱۳۹۷). بررسی ارتباط نگرش و التزام عملی به نماز با میزان شادکامی دانشجویان. *فرهنگ در دانشگاه اسلامی*، ۸(۱): ۸۹-۱۰۶.
- شهریاری‌پور، رضا، امین بیدختی، علی‌اکبر و مرادی، فرشاد (۱۳۹۲). بررسی رابطه میان نگرش و التزام عملی به نماز با مسئولیت‌پذیری دانشجویان تحصیلات تکمیلی در دانشگاه‌های شهر سمنان. *فرهنگ در دانشگاه اسلامی*، ۳(۱): ۶۳-۸۲.
- ضیایی، زهرا و ضیایی، خدیجه (۱۳۹۰). تأثیر روابط سالم والدین بر تربیت دینی فرزندان، *طهورا*، ۴(۱۰): ۷۰-۴۱.
- کاپلان، پاول اس (۱۳۹۷). *روان‌شناسی رشد*. ترجمه مهرداد فیروزبخت. نشر رسا.
- کشاوری، امراله و جهانگیری، جهانگیر (۱۳۸۹). بررسی جامعه‌شناختی رابطه بین پایگاه اقتصادی-اجتماعی دانشجویان و نگرش آن‌ها. *فصلنامه جامعه‌شناختی*، ۲: ۹۹-۱۱۴.
- محدث نوری، میرزا حسین (۱۴۰۸ ق). *مستدرک الوسائل و مستنبط المسائل*. جلد سوم. بیروت: دار احیاء التراث العربی، الثالثة.
- نازک‌تبار، حسین؛ زاهدی، محمدجواد و نایبی، هوشنگ (۱۳۸۵). نقش دینداری در ممانعت از بزهکاری جوانان شهر تهران. *رفاه اجتماعی*، ۶(۲۲): ۲۳۳-۲۵۷.
- هادیان، سیدعلی، غرویراد، سیدمحمد و آذربایجانی، مسعود (۱۳۹۲). تأثیرات والدین بر دینداری فرزندان از منظر روان‌شناسی دین. *مطالعات اسلام و روان‌شناسی*، ۷(۱۳): ۲۵-۴۶.

- وجدانی، فاطمه. (۱۳۹۸). اصول ارتباطات بین فردی بر اساس دیدگاه علامه حلی و استخراج دلالت‌های تربیتی آن، فصلنامه علمی - پژوهشی مسائل کاربردی تعلیم و تربیت اسلامی، ۴(۲)، ۱۴۶-۱۲۳.
- یعقوبی، حمید؛ حسن‌آبادی، حمیدرضا؛ پیروی، حمید؛ پورشریفی، حمید؛ اکبری زردخانه، سعید؛ حمیدپور، حسن؛ صبحی قراملکی، ناصر؛ هادوی، اصغر؛ کاویان، زهرا؛ حشمتی، محمدرضا و رضوی، مرضیه (۱۳۹۲). بررسی وضعیت گرایش به نماز خواندن در بین دانشجویان بر حسب متغیرهای جمعیت‌شناختی، فرهنگ در دانشگاه اسلامی، ۳(۲): ۱۸۷-۲۱۶.
- Bartkowski, J.P., Xu, X., & Bartkowski, S. (2019). Mixed Blessing: The Beneficial and Detrimental Effects of Religion on Child Development among Third-Graders. *Religions*, 10(1), 37.
- Barnes, L.L., Plotnikoff, G.A., Fox, K., & Pendleton, S. (2000). Spirituality, religion, and pediatrics: Intersecting worlds of healing. *Pediatrics*, 106(Supplement 3), 899-908.
- Loureiro, A., Coelho, M., Coutinho, F., Borges, L. & Lucchetti, G. (2017). The Influence of Spirituality and Religiousness on Suicide Risk and Mental Health of Patients Undergoing Hemodialysis. *Comprehensive Psychiatry*. 80. 10.1016/j.comppsy.2017.08.004.
- Main, R. (2006). Psychology of Religion. In A. R. Segal (Ed.), *The Blackwell Companion to the Study of Religion* (pp. 147-170). London: Blackwell Publishing.
- Nelson, J.M. (2009). *Psychology, religion and spirituality*, New York: Springer.
- Rew, L., & Wong, Y.J. (2006). A systematic review of associations among religiosity/spirituality and adolescent health attitudes and behaviors. *Journal of adolescent health*, 38(4), 433-442.
- Santrock, J.W. (2007). *A topical approach to life-span development* (3rd ed.). New York: McGraw-Hill.
- Svob C., Wickramaratne P.J., Reich L., et al. (2018). Association of Parent and Offspring Religiosity with Offspring Suicide Ideation and Attempts. *JAMA Psychiatry*. 2018; 75(10): 1062-1070. doi:10.1001/jamapsychiatry.2018.2060
- Xu, Y. (2013). Studies on Religion and China's National Security in the Globalization Era. *Journal of Middle Eastern and Islamic Studies (in Asia)*, 7(3), 1-21.

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی